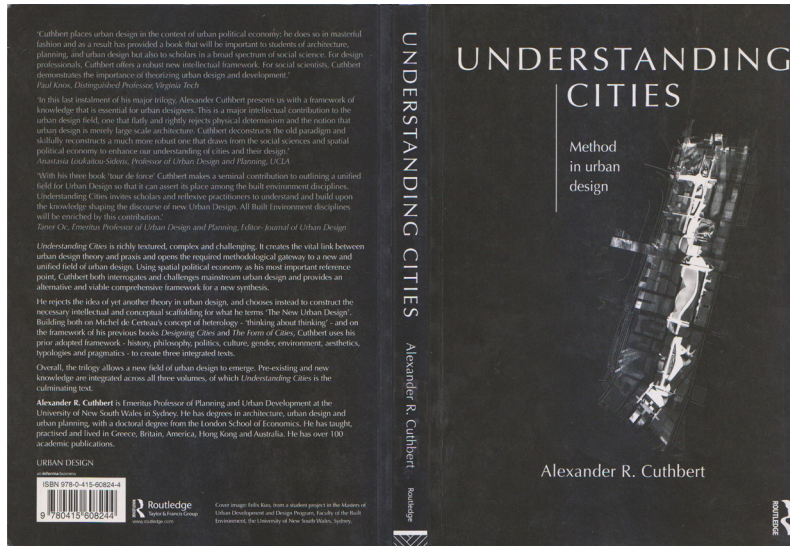


معرفی کتاب

نوید پورمحمد رضا^۱

فهم شهرها

تألیف: الکساندر کاتبرت

ناشر: London and New York: Routledge

سال: ۲۰۱۱

زبان کتاب: انگلیسی

«اگر در این جا به دنبال فرآیندها و گونه‌بندی‌های کلیشه‌ای و قالبی به منظور اجرای آسان‌تر و بهتر پروژه‌هایتان می‌گردید، از هم‌اکنون قید این کتاب را بزنید! اما اگر خود را برای چالشی اساسی و گونه‌ای خود-بازنگری انتقادی^۲ مهیا کرده‌اید، به «فهم شهرها» خوش آمدید»

الکساندر کاتبرت

کتاب «فهم شهرها»، آخرین دستاورد تحقیقاتی الکساندر کاتبرت، بی‌گمان، کتابی پیچیده، چالش‌انگیز و مسأله‌زا است. کتاب با ایجاد پیوندی دیالکتیکی، پویا و زنده میان نظریه و عمل در طراحی شهری هدفی جز واسازی^۳ این علم را در سر نمی‌پروراند، تا از این ره در آستانه هزاره جدید حیاتی نو را بدان ارزانی دارد. کاتبرت در این کتاب با مددجویی از اقتصاد سیاسی فضا، به عنوان نقطه کانونی اندیشه‌اش در تمامی این سال‌ها، قرائت‌های رایج و باب روز طراحی شهری را به چالش می‌کشد و یک چارچوب مفهومی جایگزین، کارآمد و در عین حال عملی را پیشنهاد می‌کند. او در «فهم شهرها» نه در پی معرفی نظریه‌ای دیگر در طراحی شهری، که در مقابل، در جستجوی داربستی مفهومی و عقلانی برای آن چیزی است که خود «طراحی شهری جدید»^۴ می‌نامد؛ داربستی که خود بر دو چیز استوار است: نخست بر انگاره کلیدی «دگرسانی»^۵ - مفهومی که نخست بار از سوی میشل دُ سرتو^۶ طرح شد- و دوم بر چارچوب پیشنهادی دو کتاب پیشین‌اش، «طراحی شهرها» و «فرم شهرها».

- ۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- ۲ critical self-reflection
- ۳ deconstructing
- ۴ The New Urban Design
- ۵ heterology
- ۶ Michel de Certeau

در نگاهی جزئی‌تر، «فهم شهرها» نقطه پایانی طرحی تحقیقاتی است که در سال ۲۰۰۱ آغاز شده بود. مأموریت اصلی، به زعم کاتبرت، آماده کردن سه کتاب، یا به تعبیر دقیق‌تر، سه جلد از کتابی واحد بود تا ارائه‌گر خصوصیات بارز فرآیند خلاقه‌ای باشد که طراحی شهری نام دارد. جلد نخست، «طراحی شهرها» (۲۰۰۳)، با اتخاذ موضعی فلسفی در جستجوی چارچوبی برای دانش طراحی شهری بود. این کتاب مشتمل بر برخی از متون کلیدی طراحی شهری بود، لیکن با یک تفاوت مهم: هدف (به زعم کاتبرت)، بر خلاف عرف رایج، صرفاً جمع‌آوری و گزینش انبوهی مقاله که هر یک ساز خود را کوک کنند و مسیر خود را بروند، نبود؛ بلکه در مقابل، همگی این مقاله‌ها در حمایت از مدلی نظری انتخاب شده بودند؛ مدلی که جهت‌گیری اصلی‌اش متوجه اقتصاد سیاسی فضا بود. هدف اصلی، به تعبیر کاتبرت، چیزی نبود جز طرح نقدی نسبت به جریانات غالب طراحی شهری و برانگیختن نیازی برای تغییر. «طراحی شهرها»، در شکل کلی خود، به دنبال یافتن قاعده‌ای درگیرانه‌تر و عمیق‌تر برای طراحی شهری بود؛ قاعده‌ای که درون علوم اجتماعی به طور عام، و (درون) اقتصاد سیاسی فضا به طور خاص جای گیرد. کتاب دوم، «فرم شهرها» (۲۰۰۶)، متنی است که به بررسی موضوعات نظری غالب طراحی شهری از منظر ده مؤلفه‌ی تمایزبخش (شامل: نظریه، تاریخ، فلسفه، سیاست، فرهنگ، جنسیت، محیط، زیبایی‌شناسی، گونه‌شناسی، و کاربرد شناسی^۷) می‌پردازد. کتاب سوم، «فهم شهرها» (۲۰۱۱)، کتابی است درباره روش، یا دقیق‌تر، فرا-روش‌ها^۸. هر سه کتاب، در منظری کلی، سودای آن رادارند که از طریق فراهم آوردن چارچوبی جامع فهم امروزی ما را نسبت به طراحی شهری وسعت دهند، و در سطحی فراتر هویتی نو و تازه را به این رشته ارزانی دارند. کاتبرت، در تمامی لحظات و لمحات این سه کتاب، معتقد است که دو چیز باید از حافظه‌جمعی ما زدوده شود: نخست این ایده کلیشه‌ای و گریزناپذیر که شهر چیزی نیست جز ساختمانی عظیم، و دوم باور به این که همه آن چه که ما امروز بدان نیاز داریم تنها در تولید و بازتولید مجموعه‌ای دیگر از دستورالعمل‌ها و شیوه‌نامه‌های جدید برای طراحی شهری خلاصه می‌شود.

«فهم شهرها» با بسط چارچوب نظری مطروحه در «طراحی شهرها» و کار بر روی دلالت‌های جزءنگرانه‌ی «فرم شهرها» مسیر خود را به سوی معرفت‌شناسی^۹ پی می‌گیرد، و بدین ترتیب پرسش «به چه چیزی می‌باید فکر کنیم؟» را به «چطور می‌باید به چیزی فکر کنیم؟» بدل می‌نماید. این کتاب هرگز خود را درگیر این نمی‌کند که در خصوص پروژه‌های طراحی شهری چه کاری از دست‌مان برمی‌آید؟ در مقابل، به این می‌پردازد که چطور باید به آن چه که می‌خواهیم انجام دهیم، فکر کنیم؟ کاتبرت، پیش از هر چیز، به دنبال آن است که به جای پرداختن به استراتژی‌های معمولی که در راه‌اندازی پروژه‌ها به کار می‌آیند، آن دسته از فرا-روش‌هایی را تبیین نماید که به تفکر ما نظم می‌بخشند. این فرا-روش‌ها دقیقاً معرّف همان فرآیندهایی هستند که میشل دُ سرتو از آن‌ها با عنوان «دگرسانی» یاد می‌کند. به زعم کاتبرت، روش‌های مطروحه در طراحی شهری، تا هنوز، عمیقاً با عقلانیت‌باوری^{۱۰} در پیوند هستند، و تک بُعدی نگریستن، سلسله مراتبی دیدن و مدل‌سازی جزء لاینفک آن‌ها محسوب می‌شود. از این رو، «طراحی شهری جدید» باید زمینه‌ای را اختیار کند که منبعث از علوم اجتماعی، خاصه اقتصاد سیاسی فضا باشد؛ زمینه‌ای که در تقابلی جدی با جایگاه عقل-محور روش‌های رایج طراحی شهری قرار داشته باشد.

کاتبرت در «فهم شهرها» بر این باور است که طراحی شهری، فارغ از این که یک حرفه‌ی مشخص است یا یک شاخه علمی تعریف‌پذیر، نمی‌تواند بدون ارتباط مستقیم با علوم، مشخصاً علوم طبیعی، علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی شهری معنا یابد. در حالی که علوم طبیعی کارکردگرایی را در قالب فرآیندها، روش‌های کمی و بی‌طرفی سیاسی برای طراحی شهری به ارمغان می‌آورند، علوم اجتماعی گونه‌ای مشروعیت را بر مبنای توجه به محتوا و روش‌های کیفی [به طراحی شهری] ارزانی می‌دارند. جامعه‌شناسی شهری، در این میان، این دو را در قالب یک حیطه‌ی معین مطالعاتی که تا پیش از این وجود نداشته است، گردهم می‌آورد. نگرش و موضع کاتبرت نسبت به طراحی شهری را می‌توان به گونه‌ای صریح و روشن در پنج اصل ذیل - تحت عنوان قواعد پیشنهادی کاتبرت در طرح تحقیقاتی سه‌گانه‌اش - جستجو کرد:

- جریانات غالب و رایج در طراحی شهری امروز^{۱۱} خود-ارجاع^{۱۲} هستند؛ بدین معنا که نه از هیچ مرجع بیرونی‌ای تأثیر می‌پذیرند و نه به هیچ یک تعهد دارند.
- طراحی شهری باید مسیر خود را معطوف به علوم اجتماعی، به مثابه سرچشمه حقیقی‌اش، نماید، خاصه جامعه‌شناسی شهری، جغرافیا و اقتصاد.

Pragmatics ۷
meta-methods ۸
epistemology ۹
rationalism ۱۰
mainstream urban design ۱۱
self-referential ۱۲

- طراحی شهری، اگر که می‌خواهد علمی باشد، باید موضوع حقیقی یا نظری خود را بر مبنای تحقیق و جستجو اختیار کند.
 - موضوع نظری طراحی شهری جامعه مدنی است، حال آن‌که موضوع حقیقی آن عرصه عمومی است.
 - فهم ما نسبت به خروجی‌های طراحی شهری باید تغییری معنادار را از سر بگذراند: تغییر از قسمی وسواس مدرنیستی، زیباشناسانه و فرم-محور به خلق ارگانیک فرم‌های شهری؛ گونه‌ای خلق که در آن فضاها از فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی جدایی ناپذیرند.
- «فهم شهرها» کتابی است نه درباره مسائل و موضوعات کلیشه‌ای و بارها تکرار شده طراحی شهری، و نه حتی درباره مسائل فنی، دستورالعمل‌ها، و راهنماهای طراحی شهری؛ که در مقابل، کتابی است در باب مفاهیم و مضامین عام بشری: امید، عشق، تفکر، یادمان و اسطوره، میل، مرگ، فضا، تندیس، ایدئولوژی، اسامی خیابان‌ها، مسیرها و سنگ‌فرش‌ها، خاطره، معماری و نهایتاً فهم. کاتبرت در این کتاب - و البته به طور کلی در مجموعه‌ی آثارش - نه تنها به واسازی انگاره‌های قالبی و راست-کیشانه‌ی جریان‌ت غالب طراحی شهری پرداخته، که به نوعی از شمایل متفکر در مقام مؤلف نیز تصویری دیگرگون ارائه داده است؛ بدین معنا که، او با فاصله گرفتن از الگوی یک آکادمیسین صرف به جای آن‌که با نگاهی خنثی و بی‌طرفانه به شرح و تبیین آموزه‌های معاصر طراحی شهری بپردازد، بر عکس، عینکی نقادانه به چشم می‌زند و با لحنی بیش‌و کم جدلی و در عین حال علمی به نقد و تحلیل نظریه‌پردازان و جریان‌ت معاصر شهرسازی می‌پردازد. کاتبرت تعارفات متعارف علمی را به کناری نهاده و به اقتضای بحث، به نقد و بررسی کتب و پژوهش‌های همکاران امروز و دیروز خود - از مامفورد گرفته تا موهولی-ناگی و کالین رو- می‌پردازد. حاصل اما کتابی است جذاب و پُرکشش، که در عین علمی بودن، قابلیت طرح و بسط در عرصه‌ی عمومی و در میان دانشجویان و پژوهشگران دیگر حوزه‌ها را نیز داراست. «فهم شهرها» به عنوان واپسین مجلد طرح تحقیقاتی سه‌گانه‌ی کاتبرت امکان ظهور زمینه‌ای نو و تازه را در طراحی شهری فراهم می‌آورد. نظریه‌های پیشین و مفاهیم جدید، همه و همه، در این کتاب، و به تعبیر دقیق‌تر در این سه-گانه، در هم می‌آمیزند و خوانشی نو از طراحی شهری حاصل می‌شود.